

بازشناسی مفهوم دو واژه «عسر» و «یسر» در سوره «شرح» و چالش‌های ترجمه و تفسیر آن

الهه هادیان رسنانی*

۱- استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۶

چکیده

دو ماده قرآنی «عسر» و «یسر» از مفاهیم نیازمند بازنگری در ترجمه‌ها و تفاسیر است. بیش‌تر لغویان، مترجمان و مفسران، معادل «سهولت و آسانی» را برای ماده «یسر» و «سختی» را برای ماده «عسر» اخذ کرده‌اند. مهم‌ترین اشکالی که در صورت پذیرفتن این مفهوم در آیات پنجم و ششم سوره «شرح» نمود می‌یابد، عدم تطابق پیام آیات با واقعیت است. بر همین اساس، بیش‌تر مترجمان و مفسران، واژه «مَع» در این دو آیه را حاکی از نزدیکی حصول یسر در پی عسر دانسته و در ترجمه آن، کلماتی از قبیل «بعد از» را به‌عنوان معادل در نظر گرفته‌اند و تحت تأثیر یک قاعده نحوی قابل نقد و روایتی ضعیف، معتقد شده‌اند که آیه ششم، تکرار و تأکید آیه پنجم است و پیام دو آیه این است که با هر عسر، دو یسر است. جستار حاضر در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی به بازبایی مفهوم «عسر» و «یسر» و نیز تبیین نوع الف و لام «عسر» و تنوین «یسر» در آیات مذکور پرداخته و بر این نکته تصریح نماید که توجه به قرینه سیاقی آیات نخستین سوره، بیانگر یک سنت الهی در آیه پنجم و بیان نمونه عینی قابل تحقق این سنت درباره رسول خدا (ص) در آیه ششم است. به این مفهوم که: قطعاً با هر عسری (ضیق و سختی هدفمندی)، یسری (سعه وجودی) عظیم است و در این عسر تو ای پیامبر (سختی و سنگینی بار رسالت)، نیز یسر (سعه وجودی) عظیمی خواهد بود. براین اساس، وجه تکرار آیات، تأکید و مبالغه و مانند آن نیست؛ بلکه هریک از دو آیه دربردارنده پیامی مستقل است که در این مقاله واکاوی شده است.

واژگان کلیدی: عسر، یسر، سوره شرح، ترجمه، تفسیر

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

دو واژه «عسر» و «یسر» از واژگان پرکاربرد در فرهنگ قرآن کریم و روایات است. ریشه این دو واژه در قرآن کریم، در ساختارهای مختلفی به کار رفته و معمولاً معادل «آسانی» و «سهولت» در معنای ریشه آن توسط مترجمان اخذ شده است که با توجه به سیاق آیات، به نظر می‌رسد بسیاری از این برداشتها و معادل‌ها دقیق نباشد و در مواردی نیز نادرست باشد.

از جمله این سیاق‌ها، سوره «شرح» است که خداوند متعال پس از بیان شرح صدر رسول خدا (ص) و بار مسئولیت رسالت ایشان، در آیات پنجم و ششم می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

درباره این دو آیه شریفه، ترجمه‌ها و تفسیرهای گوناگونی ارائه شده است. بیش‌تر مترجمان ترجمه مفهوم «آسانی» و «آسایش» را در ترجمه «یسر» در مقابل واژه «عسر» به معنی «سختی و دشواری»، ذکر کرده‌اند.

با توجه به ترجمه دو واژه «عسر» و «یسر» به سختی و آسانی، مفسران درباره مفهوم «مَعَ» نیز بحث‌های فراوانی کرده‌اند مبنی بر این که همراهی عسر و یسر چگونه است؟

مهم‌ترین اشکالی که در صورت پذیرفتن دو مفهوم سختی و آسانی برای «عسر» و «یسر» نمود می‌یابد، عدم تطابق پیام آیات شریفه با واقعیت است؛ زیرا اولاً معیت و همراهی عسر و یسر به مفهوم همراهی سختی و آسانی، جمع نقیضین است؛ علاوه بر آن که حتی اگر واژه «مَعَ» را در آیه شریفه به معنی «بعد» بدانیم یعنی معتقد شویم که پس از سختی، آسانی پدید خواهد آمد، در آن صورت نیز در بسیاری از موارد، این‌گونه است که مردم نه تنها پس از سختی، با آسانی مواجه نمی‌شوند؛ بلکه حتی تا هنگام مرگ نیز سختی همراه آنها است و این با ظاهر آیه نمی‌خواند.

۲-۱- پرسش‌های پژوهش

بر اساس آنچه بیان گردید، پرسش‌هایی که در این نوشتار در پی پاسخ‌گویی بدان‌ها هستیم عبارت‌اند از:

در صورت پذیرفتن معادل سختی و آسانی برای دو واژه «عسر» و «یسر»، عدم تطابق پیام آیه با واقعیت چگونه قابل توجیه است؟ و در صورت نپذیرفتن این معادل و تفسیر، چه معادل دیگری برای این دو واژه می‌توان در نظر گرفت؟ همچنین جمع میان نقیضین که به‌ظاهر در آیات شریفه با واژه «مع» که مفید مفهوم معیت است؛ پدید آمده، چگونه قابل‌رفع است؟

جهت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، لازم است که علاوه بر مفهوم‌شناسی دقیق واژگان، درباره مسائل نحوی و تفسیری موجود در آیات به‌ویژه الف و لام دو واژه «عسر» و تنوین دو واژه «یسر» و نیز وجه تکرار آیه و ارتباط دو آیه با آیات آغازین سوره و همچنین چگونگی تطبیق آیات با واقعیت، بحث و بررسی صورت گیرد.

۳-۱- پیشینه پژوهش

درباره مفهوم‌شناسی «عسر» تاکنون به‌ویژه در ضمن مباحث فقهی، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است؛ مانند مقاله «قاعده نفی عسر و حرج با تکیه بر آیات و روایات»، محمدحسین بیات؛ و یا مقاله «قاعده نفی عسر و حرج»، امان‌الله علیمرادی و مانند آن؛ اما درباره مسئله مورد پژوهش در این نوشتار به‌ویژه با توجه به مفهوم دقیق واژه «یسر» و ارتباط آن با «عسر» مطرح در آیه، تاکنون پژوهشی مبتنی بر ترجمه‌ها و تفاسیر و نقد و بررسی چالش‌های موجود در آن‌ها، صورت نگرفته است؛ و مباحث مطرح در خصوص این آیات منحصر به همان مباحث تفسیری ذیل آیات در تفاسیر و ترجمه‌های قرآن کریم است که در این نوشتار به‌نقد و بررسی آن‌ها و ارائه مفهومی نوین از آیات منطبق با واقعیت خواهیم پرداخت.

۲- بازیابی مفهوم لغوی «یسر» و «عسر»

بسیاری از لغویان در بیان معنی ماده «یسر»، مفهوم «سهولت و آسانی و نداشتن سختی» را اخذ کرده‌اند (مانند راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۹۲؛ و در میان مفسران مانند ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳۰: ۳۶۶)

گرچه یکی از مصادیق معنای این ریشه می‌تواند «آسانی و سهولت» باشد ولی در همه مشتقات و مصادیق سیاق‌های آن نمی‌توان این مفهوم را در نظر گرفت.

فراهیدی، ریشه «یسر» را به معنی سبکی (خفیف) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۹۵)، دانسته است و ابن فارس و دیگران از جمله مشتقات این ماده را «الْبَسْرَات» به معنی گام‌های سبک و کوتاه (القَوَائِمُ الخِفاف) ذکر کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶: ۱۵۵).

ابن فارس در مقائیس برای ماده «یسر» دو اصل معنایی در نظر گرفته است:

۱- گشایش و توسعه و سبکی (انفتاح شیء و خِفْتَه) ۲- عضوی از اعضاء (عَضُو من الأعضاء) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۵۵).

صرف‌نظر از اصل معنایی دوم که موضوع این نوشتار نیست، به نظر می‌رسد اصل معنایی این ماده که در قرآن کریم بارها به کاررفته است، همان گشایش و توسعه باشد؛ چنان‌که در زبان عربی، عبارت «يَسَّرَتِ الغنم» آنگاه گفته می‌شود که شیر و نسل گوسفند زیاد شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۵۵؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۵۷).

در قرآن کریم از جمله افعال مشتق شده از این ریشه، آیه ۸ سوره اعلی است ﴿وَيُسِّرُكَ لِلسَّرِيِّ﴾ که به معنی توفیق دادن آمده است (همان)؛ زیرا در توفیق، راه گشوده و باز می‌شود و معنی آیه شریفه این است که: تو را توفیق می‌دهیم برای توسعه وجودی و وسعت روح.

به نظر می‌رسد مفاهیم دیگری که در بسیاری از کتاب‌های لغت و تفسیر در بیان معنای این ریشه ذکر شده است، (الغنى، الانقياد، اللينة، سرعة فى المتابعة، حسن الجريان و السیر) و حتی مفهوم «آسانی و سهولت»، همه مأخوذ از همین اصل معنایی «گشایش» و «توسعه»

بازشناسی مفهوم دو واژه «عسر» و «یسر» در سوره «شرح» و چالش های ترجمه و تفسیر آن _____ الهه هادیان رسانی

(الانفتاح و الخفة) باشد؛ گرچه در همه مصادیق و سیاق ها نمی توان یک مفهوم را تطبیق داد و هریک در مورد خاص خود به کار می رود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۴: ۲۷)؛ ولی در بیش تر آیات قرآن کریم مانند آیات ۵ و ۶ سوره شرح ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، به همان اصل معنایی گشایش و سعه (گشایش و وسعت روح و سعه وجودی) است. برخی مفسران نیز در ترجمه واژه «یسر»، کلمه «رخاء» را به کار برده اند (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۵۰۵).

رخاء در لغت، به معنی «سَعَة العیش» (گشایش زندگی) (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۷: ۲۲۱) و شخص «رَخِيٌّ» یعنی کسی که غرق در نعمت است (ناعِمٌ) (همان) و نقطه مقابل آن «شدت» (ضد الشدة) (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۱۰۵۳)، آمده است.

مراد از «شرح» نیز در آیه نخست سوره شرح، گشایش (انفتاح) است که مقابل آن تنگی (ضیق) است و مراد از صدر در آیه اول سوره، روح است (صادقی تهرانی، بی تا، ج ۷: ۱۶۰-۱۶۱) و صدر (روح) پیامبر، شرح الصدور بین حاملان رسالت های الهی است (همو، بی تا، ج ۷: ۱۶۱).

برخی مفسران در ترجمه و تفسیر واژه «یسر»، عبارت «سعه» را آورده اند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۹۴)، گرچه آن را حمل بر سعه (یسر) در دنیا و آخرت نموده اند و برداشتی مانند دیگر مفسران و مترجمان از آیه نموده و از آن مفهوم راحتی و آسایش را فهمیده اند؛ اما شاید بتوان واژه «سعه» را مانند واژه «انفتاح»، نزدیک ترین مفهوم در ترجمه «یسر» دانست.

گفتنی است نقطه مقابل «یسر» نیز «عسر» است که به گفته ابن فارس دارای یک اصل معنایی سختی و شدت است (أصل صحيح واحد يدل على صعوبة و شدة) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۱۹) که در آیات شریفه سوره شرح به کار رفته است. بیش تر اهل لغت، در ترجمه ماده «عسر»، همان صعوبت را ذکر کرده اند (مانند ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۷۱۵). برخی نیز علاوه بر شدت و سختی، مفهوم «ضیق» را هم برای آن آورده اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۲۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۲: ۵۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۴۵).

۳- بیان دو قاعده توسط علمای نحو ذیل آیات

ذیل این دو آیه در تفاسیر، قواعدی توسط مفسران و علمای نحو ذکر شده که در فهم و تفسیر آیه توسط آن‌ها مؤثر واقع شده و بر اساس آن، آیات را ترجمه و تفسیر کرده‌اند:

۳-۱- قاعده تکرار کلمه معرفه و نکره در کلام

بیش تر مفسران ذیل دو آیه ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ به قاعده ای از قول فراء اشاره کرده‌اند که بر اساس آن: در زبان عربی، آنگاه که کلمه نکره‌ای ذکر شود و سپس به صورت نکره تکرار شود، مراد دو چیز است و نه یک چیز؛ اما اگر آن کلمه نکره به صورت معرفه تکرار شود، تکرار آن، همان اولی است و مراد از آن دو، یک چیز است. این قاعده یکی از چهار نوع فرضیه‌ای است که تفتازانی درباره تکرار دو کلمه معرفه و نکره در دو کلام بیان می‌دارد و قاعده مربوط به هریک را ذکر می‌کند (رک: بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۸: ۴۶۵).

بر اساس این قاعده، مراد از آیات شریفه، یک عسر و دو یسر است و یسر دوم غیر از یسر اول است (همراه هر عسر، دو یسر است) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰: ۵۶۷-۵۶۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۷۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۳۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۶۲؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۷۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۶۰۵).

ابن عاشور، نوع استناد بیش تر مفسران بر این قاعده و تطبیق آیه بر آن را خدشه‌دار می‌داند؛ زیرا این قاعده درباره برگرداندن لفظ معرفه به نکره است (مانند واژه «رسول» در آیات ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا * فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ﴾ (مزمّل/۱۵-۱۶)) و نه لفظ معرفه به معرفه که در آیه شریفه درباره واژه «عسر» اتفاق افتاده است؛ علاوه بر این که آن قاعده هنگامی کاربرد دارد که برگرداندن لفظ در جمله دیگری (جمله‌ای غیر از جمله اول) باشد درحالی‌که در این آیه شریفه، اعاده لفظ در کلام دومی نیست بلکه آیه دوم، تکرار همان آیه اول است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۶۶-۳۶۷).

۳-۲- قاعده تکرار جمله

سید مرتضی ذیل این آیات، قاعده دیگری نیز درباره تکرار جمله آورده که بر اساس آن، این دو جمله، مفید دو مفهوم است و هر جمله مفید معنایی مستقل است. این همان قاعده‌ای است که جرجانی ذکر کرده و سید مرتضی نیز آن را تأیید کرده است (سید مرتضی علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۴۶۸) و بسیاری از مفسران مانند طبرسی، آن را نقل کرده‌اند.

بر اساس این قاعده، هرگاه گوینده، کلامی بگوید و سپس آن را تکرار کند، ظاهر تغایر دو کلام، تغایر مقتضای آن دو کلام است؛ به عبارتی هر یک از آن دو کلام، اقتضای مفهومی را دارد که کلام دیگر آن را افاده نمی‌کند (هر جمله، مفید مفهومی مستقل است) مگر آن‌که میان مخاطبان، عهد یا دلالتی باشد که روشن شود که مراد از هر دو کلام، یک چیز است که در این حالت، جمله دوم بر اولی حمل می‌شود (سید مرتضی علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۴۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۰۹).

گرچه به نظر می‌رسد سید مرتضی پس از ذکر این قاعده، آن را با قاعده اول خلط کرده و «کلام» مذکور در این قاعده را بر «کلمه» حمل نموده و این قاعده را بر اساس نقلی از ابن عباس (که در مباحث بعد اشاره خواهیم کرد) حمل بر دو واژه «عسر» و «یسر» کرده است و سپس آن را نقد و دو آیه را حمل بر تکرار نموده است؛ این در حالی است که محور بحث این قاعده، تکرار کلام است و نه کلمه؛ و به عبارتی دو آیه مفید دو پیام است و نه یک پیام؛ یعنی آیات، سخن از دو عسر و دو یسر می‌گویند که در مباحث بعدی روشن خواهیم کرد.

با وجود بیان قاعده فوق توسط سید مرتضی؛ اما بیش تر مفسران بدون توجه به قاعده مذکور، آیه ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ را تأکید آیه قبل و تثبیت آن دانسته‌اند (از جمله فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۰۹).

از دیدگاه برخی مفسران، نیز ممکن است یکی از وجوه تکرار آیه، اطناب و مبالغه در حصول یسر باشد (ماوردی، بی تا، ج ۶: ۲۹۸؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۵۰۱).
گرچه سید مرتضی نیز با وجود بیان قاعده مذکور؛ درباره وجه تکرار این آیه، وجوه سه‌گانه‌ای را ذیل آیات سوره کافرون ذکر می‌کند که به همان تأکید و مبالغه و اطناب برمی‌گردد (سید مرتضی علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۴۸۱-۴۸۳).

۴- بیان روایت ذیل آیات

مهم‌ترین استدلال مفسران در تبیین «همراهی دو یسر با یک عسر» در کنار قاعده تکرار معرفه و نکره، روایتی است که در آن به این مطلب اشاره شده است و بیش‌تر مفسران (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۹۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۳۳-۲۳۴؛ سید مرتضی علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۴۶۹ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۱؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۳۶۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۰۹ و دیگران) بدان استناد کرده‌اند: «لَنْ يَغْلِبَ عُسْرٌ يُسْرَيْنِ» (هیچ‌گاه یک عسر بر دو یسر چیره نمی‌شود) (در منابع روایی اهل سنت: مالک بن انس، ۱۴۲۵، ج ۳: ۶۳۳؛ بخاری، ۱۴۱۰، ج ۸: ۸۱ و در منابع روایی شیعه: کوفی، ۱۴۱۰: ۵۷۵؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۶۰۴).

نقد و بررسی روایت فوق:

بر نقل مذکور از چند جهت خدشه وارد است:

- ۱- اصل این نقل، در میان مجامع اولیه روایی اهل سنت، تنها به دو منبع روایی موطأ مالک و صحیح بخاری برمی‌گردد (مالک بن انس، ۱۴۲۵، ج ۳: ۶۳۳؛ بخاری، ۱۴۱۰، ج ۸: ۸۱) و در دیگر مجامع روایی اولیه اهل سنت نیامده است.
- ۲- در میان مصادر روایی شیعه نیز تنها در دو مصدر روایی یعنی تفسیر فرات کوفی و تفسیر نورالتقلین آمده است و در مجامع روایی اولیه شیعه نیامده است و در همان دو مصدر نیز بدون سند است و یا علاوه بر نداشتن سند، به معصوم نیز نمی‌رسد (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۷۵؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۶۰۴) و به نظر می‌رسد که برگرفته از منابع اهل سنت باشد.

۳- بیش تر مفسران اعم از مفسران شیعه و اهل سنت، نقل مذکور را با وجود ضعف سند آن نقل کرده اند؛ زیرا این نقل به شکل حدیث، در خود منابع اهل سنت، مرفوع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۷-۵۰۸).

۴- روایت مذکور (در صورتی که بتوان نام روایت بر آن نهاد) در بسیاری از نقل ها از معصوم و رسول خدا (ص) نیست و مثلاً از ابن عباس یا خلیفه دوم و دیگران است. بر این اساس، به نظر می رسد قاعده مذکور درباره وجه تکرار معرفه و نکره در کلام نیز با توجه به همین دست روایات بیان شده باشد زیرا غالباً توسط مفسران ذیل همین آیه و با توجه به همین روایت ذکر شده است.

صرف نظر از بحث ضعف سندی روایت و با فرض پذیرفتن متن آن، از دیدگاه ابن عاشور، دو یسر در آیات منظور نیست بلکه مراد، یک یسر است و تثنيه آمدن یسر در روایت (لَنْ يَغْلِبَ عُسْرٌ يُسْرَيْنِ) نیز کنایه رمز گونه ای است از غلبه و رجحان یسر بر عسر و مراد، بسیاری و کثرت یسر است و نه وجود دو یسر؛ چنان که در آیه شریفه ﴿ثُمَّ اَرْجِعْ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيْرٌ﴾ (ملک/۴)، نیز لفظ مثنی (كَرَّتَيْنِ) در آیه، کنایه از بسیاری انجام این کار است که در آیه بدان دستور داده شده است. از دیدگاه ابن عاشور، این گونه سخن گفتن (تثنيه به عنوان عدد کثرت) در زبان عربی، متداول است مانند عبارت «كَيْتَبُك» و «سَعْدِيْكَ» و تکرار در این حالت، مستلزم قوت چیزی است که تکرار شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۶۷).

در میان مفسران، مغنیه درباره چگونگی دلالت این روایت، دچار ابهام شده و می گوید که درباره این روایت بسیار تأمل کردم و مراد از یسر اول را فهمیدم که همان برداشته شدن عسر است؛ اما مراد از یسر دوم را نفهمیدم (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷: ۵۸۱).

او همچنین قاعده مورد پذیرش بیش تر مفسران درباره تکرار نکره در آیه (تکرار یسر) که بر اساس آن، دو یسر و یک عسر در آیات قائل شده اند را قبول ندارد و معتقد است که دلیلی بر آن وجود ندارد و جز بازی با الفاظ نیست (همو، ۱۴۲۴: ۵۸۲/۷).

گفتنی است از جمله نقل مسند حدیث، ذیل این دو آیه در منابع روایی شیعه و اهل سنت، حدیثی از رسول خدا (ص) است که در آن، تعبیر به آسانی و سهولت نشده بلکه تعبیر نصر و فرج و مانند آن آمده است:

«وَاعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۴۱۳؛ و در منابع اهل سنت با اندکی اختلاف در نقل: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۵: ۱۹).

«فَرَجٌ» در لغت به معنی گشایش است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۹۸) و به مفهومی که ما در این نوشتار درباره عسر و یسر بدان پرداخته‌ایم نزدیک‌تر و بلکه منطبق است.

۵- دیدگاه‌های گوناگون درباره الف و لام موجود در واژه «عسر» و تأثیر آن در ترجمه و تفسیر آیه

درباره جنس یا عهد بودن الف و لام واژه «عسر»، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی مفسران مطرح شده است که هر یک، نوعی فهم از آیات ارائه داده و موجب ترجمه و تفسیرهای گوناگون از دو آیه شده‌اند:

۱- الف و لام کلمه «عسر» در هر دو آیه، الف و لام عهد است (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۳: ۷۴۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۵۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۹۰).

این عهد از دیدگاه برخی مفسران دلالت دارد بر عسر به مفهوم بلایات و امتحاناتی که ما در میان آن هستیم (وعده آیه را عام نسبت به عموم مؤمنین دانسته‌اند) (عهد ذهنی یا حضوری عام) (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰: ۳۲۳) و از دیدگاه برخی دیگر دلالت بر عسری دارد که رسول خدا (ص) در آن واقع بودند (عهد ذهنی یا حضوری خاص) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۰۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۱).

برخی نیز معتقدند الف و لام در عسر اول، عهد حضوری و در عسر دوم، عهد ذکری است و عسر یکی است اما یسر دو تا است (نووی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۴۴).

۲- الف و لام آن یا عهد است (عسری که رسول خدا (ص) در آن واقع بودند) و یا جنس (عام) (در هر دو آیه) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۰۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۱).

۳- دیدگاه دیگر درباره الف و لام، استغراق است (حقی برسوی، بی تا، ج ۱۰: ۴۶۳).

۴- از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، الف و لام موجود بر سر کلمه «العسر»، الف و لام جنس است و نه استغراق و می خواهد بفهماند که جنس عسر این گونه است که به دنبالش یسر می آید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۶/۲۰) و در واقع اشاره به این سنت الهی که همیشه بعد از هر دشواری، سهولتی است (همو، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۵).

علامه طباطبایی بعد از نقل گفتار زمخشری درباره فاء موجود بر سر آیه شریفه و نیز الف و لام کلمه «العسر»، سخن او را نقد کرده است (همو، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶).

زمخشری معتقد است که فاء موجود بر سر آیه ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ فاء فصیحه است و زمینه کلام، زمینه تسلی دادن و دل خوش کردن رسول خدا (ص) به وسیله وعده ای جمیل است. وی می گوید: مشرکین رسول خدا (ص) و مؤمنین را سرزنش می کردند به این که مردمی فقیرند و این زخم زبان به حدی اوج گرفت که به دل شریف آن حضرت افتاد که نکند اسلام نیاوردن آن ها به جهت همین تهی دستی مؤمنین و حقارت است؛ و خداوند متعال برای دفع این احتمال، نعمت های بزرگی را که به آن جناب ارزانی داشته بود بیان کرد و آنگاه فرمود: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ و فهماند که این ما بودیم که به تو نعمت های بزرگی دادیم؛ پس از فضل خداوند مأیوس نباش و بدان که بعد از سختی هایی که اکنون در آن هستی، برای شما یسر خواهد بود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۷۱).

به اعتقاد علامه، از ظاهر گفتار زمخشری این گونه برمی آید که الف و لام در «العسر» را الف و لام عهد دانسته و نه جنس و مراد از یسر را هم اشاره به غنیمت هایی می داند که خداوند در سال های بعد نصیب مؤمنین کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶).

علامه، این سخن زمخشری را نمی پذیرد؛ زیرا ذهن شریف رسول خدا (ص) را اجل از این می داند که از حال کفار و علت کفرشان بی خبر باشد و نداند که علت اصلی آن،

استکبار از حق است زیرا این کفار بعد از ظهور شوکت اسلام و پولدار شدن مؤمنین نیز ایمان نیاوردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶).

از دیدگاه علامه، آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» بعید نیست که تعلیل مطالب گذشته (آیات آغازین سوره) باشد (که در این صورت برخلاف گفته زمخشری، فاء سببیه خواهد بود) (همو، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۵).

برخی مفسران نیز هم‌سو با این دیدگاه علامه، ضمن نقد سخن آن دسته از مفسرانی که آیات را اشاره به فقر مالی عمومی مسلمانان در آغاز ظهور اسلام دانسته‌اند، بیان می‌دارند که گستردگی مفهوم آیات، همه مشکلات را شامل می‌شود و این دو آیه به صورتی مطرح شده که اختصاص به شخص پیامبر و زمان آن حضرت ندارد و بلکه به صورت یک قاعده کلی و به‌عنوان تعلیلی بر مباحث سابق مطرح است (جنس دانستن الف و لام عسر و اشاره به نوید و وعده الهی در همراهی عسر و یسر با یکدیگر) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۱۲۷-۱۲۸).

۵- برخی مفسران، الف و لام، عسر اول را جنس؛ و الف و لام عسر دوم را عهد دانسته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این دسته از مفسران در اثر تأثیرپذیری از قاعده تکرار نکره و نیز روایت بیان‌شده در اشاره به دو یسر، نتوانسته‌اند میان آن‌ها جمع کنند و لذا به‌نوعی تناقض در سخن خود گرفتار شده‌اند و معتقدند که با هر عسر، دو یسر است (سمین، ۱۴۱۴، ج ۶: ۵۴۱)؛ این در حالی است که لازمه متفاوت بودن الف و لام این است که دو نوع عسر در آیات ذکر شده باشد و نه یک عسر.

برخی مفسران نیز بدون این که تصریح نمایند، الف و لام اول را جنس و الف و لام دوم را عهد ذهنی دانسته‌اند زیرا در مفهوم آیه چنین بیان کرده‌اند که با هر عسری، یسری عظیم است و با عسری هم که تو در آن هستی، یسری عظیم است (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹، ج ۸: ۶۲۹)؛ گرچه در این موارد نیز جای تعجب است که باز جمله دوم را تأکید جمله اول دانسته‌اند؛ درحالی که بنابراین تعبیر، هر یک از دو جمله، بیانگر مفهومی مستقل است.

در میان دانشمندان نحو، درویش نیز الف و لام عسر اول را جنس و دوم را عهد دانسته است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۵۱۷)؛ گرچه وی نیز مانند بیش‌تر مفسران، پس از بیان مفصل قاعده تکرار معرفه و نکره در کلام و با استناد به آن و نیز روایت (لَنْ يَغْلِبَ عُسْرٌ يُسْرَيْنِ)، به تبیین یک عسر و دو یسر در آیه پرداخته است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۵۱۷-۵۲۱).

۶- دیگر دیدگاه را شیخ محمد عبده بیان داشته است. وی معتقد است که مراد از دو واژه «عسر» در دو آیه، دو عسر است و نه یک عسر و دلیل او بر این اختلاف، آن است که مراد از عسر نخست، عسر معهود (شناخته شده) نزد مخاطب است؛ اما مراد از عسر دوم، عسر عام است (عبده، ۱۳۴۱: ۱۱۵-۱۱۶). به عبارتی او الف و لام موجود در عسر اول را الف و لام عهد ذهنی و در عسر دوم را الف و لام جنس دانسته است.

۶- دیدگاه‌های گوناگون درباره نوع تنوین موجود در واژه «یسر» و تأثیر آن در ترجمه و تفسیر آیه

درباره نوع تنوین «یسر»، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی مفسران مطرح شده است:

- ۱- تنوین تنکیر مفید مفهوم تعظیم و تفخیم:
از دیدگاه بسیاری از مفسران، تنوین آن تنکیر است و نکره آوردن «یسر» به جهت ابهام آن است؛ به عبارتی واژه «یسر» نکره حقیقی است برای رسانیدن مفهوم تعظیم و تفخیم؛ یعنی: یسری که آن را نمی‌شناسید و مانند آن را درک نکرده‌اید و موصوف آن را هم نیاورده تا هرگونه یسری را بفهماند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۷۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰: ۳۲۳-۳۲۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۰۹).
- ۲- تنوین تنکیر مفید مفهوم تبعیض:
به اعتقاد طبرسی، تنوین «یسر» تنکیر و برای رسانیدن مفهوم تبعیض (بعضیت) است یعنی یسر دوم غیر از یسر اول است و هرکدام از این دو یسر، اشاره به قسمتی از یسر است (مانند یسر دنیا در آیه اول و یسر آخرت در آیه دوم) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۰۸).

گفتنی است مفسران برای این دو یسر، مصادیق متعددی ذکر کرده‌اند مانند یسر دنیا و یسر آخرت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۳۳-۲۳۴)، یسر اول، امید یسر و یسر دوم، وجود آن (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰: ۵۶۸).

در میان مفسران، مغنیه این دیدگاه مفسران درباره ثواب آخرت بودن یسر دوم را بسیار دور از ظاهر لفظ و سیاق آیه می‌داند؛ زیرا آیه شریفه از عسر دنیا و یسر آن سخن می‌گوید و نه از آخرت و ثواب آن (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷: ۵۸۱-۵۸۲).

۳- تنوین تنويع مفید تفخیم:

آلوسی از قول برخی بزرگان نقل می‌کند که: تنوین موجود در واژه «یسر»، نوعی (تنويع) است؛ به این مفهوم که انسان در حالت عسر، از نوعی از یسر خالی نیست و نوعی یسر شامل حال او می‌شود؛ زیرا حداقل آن است که عسری بزرگ‌تر و سخت‌تر می‌توانست به او روی آورد که در حال حاضر از او دفع شده است بنابراین در همان حال دچار نوعی یسر است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۹۱)؛ چنان‌که برخی مفسران با اشاره به آیه ۶۱ سوره نحل، معتقدند که هر عسری از خلط با یسر خالی نیست؛ یعنی هر عسری باید نوعی یسر در خود داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت مردم هلاک می‌شدند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۶۶).

با این نگاه، در صورتی که تنوین را مفید تفخیم نیز بدانیم، مراد دفع عسر بزرگ‌تری از او است؛ زیرا هیچ عسری نیست مگر آن‌که عسری بزرگ‌تر از آن نزد خداوند وجود دارد و لذا دفع همین عسر بزرگ‌تر، خود یسری عظیم است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۹۱).

آلوسی در تبیین تفخیم بودن تنوین یسر، علاوه بر تنويع بودن آن، بیانی دیگر نیز دارد. به گفته او، در آیه یسری عظیم موردنظر است؛ یسری مانند شرح صدر و «وضع وزر» (برداشتن بار مسئولیت رسالت) و «رفع ذکر» (بالا بردن یاد و نام رسول خدا (ص)) که در آیات آغازین سوره بدان‌ها اشاره شده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۹۰؛ نیز رک بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۱).

۴- تنوین تنويع:

علامه طباطبایی (ره) ضمن نقد دیدگاه تعظیم و تفضیم بودن تنوین «یسر»، معتقد است که تنوین مذکور، تنوین تنويع است و می‌خواهد بفرماید که با هر سختی، نوعی یسر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶).

۵- تنوین جنس (مانند معرفه):

از دیدگاه سید مرتضی، تنوین «یسر» در دو آیه، تنوین تنکیر نیست بلکه دلالت بر جنس (مانند معرفه) می‌کند و خداوند متعال خواسته بفرماید که میان عسر و یسر تفاوتی نیست و گویا فرموده: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (سید مرتضی علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۶۶۹). در میان آراء نحویون و مفسران، این دیدگاه ضعیفی است؛ زیرا در صورتی که تنوین در مفهوم جنس به کاررفته باشد و شبیه معرفه باشد، تفاوت آن با معرفه مشخص نیست؛ علاوه بر آن که توجه به سیاق آیات، ما را از پذیرش این دیدگاه بازمی‌دارد.

با تبیین بیان‌شده درباره دو واژه «عسر» و «یسر»، مفهوم تعظیم و تفضیم و نیز تنويع را می‌توان درباره این تنوین در نظر گرفت که در تبیین مفهوم نهایی آیات روشن خواهیم کرد.

۷- چگونگی دلالت واژه «مع» در آیات و تطبیق آیات با واقعیت

(تبیین دیدگاه برگزیده)

یکی از ابهاماتی که مفسران درباره این آیات با آن مواجه شده‌اند چگونگی معیت و همراهی عسر و یسر است.

برخی مفسران معتقدند که حرف «مَع» به جای «بعَد»، پیوستگی یسر با عسر را می‌رساند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۵۷) از دیدگاه علامه طباطبایی نیز مراد از معیت در این آیات، معیت توالی (واقع شدن یسر به دنبال عسر) است و نه معیت به معنی تحقق در زمان واحد که یسر و عسر در یک زمان تحقق یابند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶). برخی نیز بر آن هستند که ذکر «مَع» که متضمن مصاحبت است به جهت مبالغه در معاقبه یسر به عسر و اتصال به آن است

مانند اتصال متقاربین (به جهت سرعت اتصال یسر به عسر) (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۱؛ ملافتح الله کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰: ۲۸۴).

به گفته برخی از مفسران، ضدین قابل جمع با یکدیگر نیستند و لذا نمی‌توان «مَع» را در این آیات به معنی مصاحبت دانست (معیت حقیقی نیست)؛ بلکه «مَع» بیانگر معاقبه است و اشعار به نهایت سرعت آمدن یسر و نزدیکی حصول یسر در پی عسر دارد گویی که مقارن عسر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۶۵).

از دیدگاه ابن عاشور، با این تفسیر از واژه «مَع»، تعارض ظاهری میان این آیه با آیه هفتم سوره طلاق ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ که یسر را بعد از عسر ذکر کرده، برطرف می‌شود. به اعتقاد ابن عاشور، تفاوت دیگری که میان این آیات وجود دارد، آن است که در آیات سوره شرح، الف و لام موجود در «عسر»، الف و لام عهد (مانند الف و لام عوض از مضاف الیه به معنی «عسکر» یعنی عسر تو ای پیامبر) بوده و سخن از عسر خاص رسول خدا (ص) است اما در آیه سوره طلاق، سخن از عسری عام و خطاب عموم است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۶۵). البته ابن عاشور پس از آن، با توجه به روایت «أَنَّ يَغْلِبَ عُسْرُ يُسْرَيْنِ» آیه سوره شرح را عمومیت داده و شامل عموم (امت پیامبر) نیز می‌داند (همان).

زمخشری نیز در پاسخ سؤال مقدر، تعبیر آیه را بیانگر نزدیکی زمانی یسر و عسر می‌داند تا موجب تسلی خاطر بیش‌تر و تقویت قلوب باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۷۱؛ نیز طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۰۷؛ ابوخیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۵۰۱).

بر اساس این نگاه، در ترجمه «مَع» در آیات شریفه باید کلماتی از قبیل «در پی» و یا «بعد از» به‌عنوان معادل در نظر گرفت؛ چنان‌که برخی مترجمان و مفسران چنین کرده‌اند (پاینده، آیتی، موسوی همدانی، صفوی، طاهری قزوینی).

برخی ترجمه‌ها (صادق نوبری، خسروانی) و تفاسیر (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۶)، نیز به لزوم صبر رسول خدا (ص) و اصحاب در برابر آزار و اذیت مشرکان و وعده پیروزی در آینده به پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند و «یسر» را اشاره به همین پیروزی در آینده و دو آیه را نیز مانند دیگر مترجمان و مفسران، تکرار همین وعده الهی دانسته‌اند.

مغنیه وجه تکرار در آیه را به جهت تأکید می‌داند زیرا این امر (حصول یسر بعد از عسر) مورد شک بیش تر مردم است و به عبارتی بیش تر مردم شک دارند که پس از عسر، یسر فرارسد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷: ۵۸۱) او بر همین اساس، دیدگاهی متفاوت با سایر مفسران درباره چگونگی دلالت واژه «مَع» دارد. از دیدگاه وی، مراد از «مَع» مصاحبت حقیقی و یا مقارنه و معاقبه نیست؛ بلکه این واژه برای تأکید بر امید در وقوع و فرارسیدن یسر پس از عسر است گرچه این فرارسیدن، زمانی طولانی برد (همان).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این دیدگاه‌ها، «مَع» دلالت بر معیت حقیقی ندارد؛ بلکه در مفهوم «بعد» و حاکی از نزدیکی حصول یسر در پی عسر است.

حقی برسوی در تفسیر خود -که از تفاسیر اشاری و عرفانی است- این دیدگاه را به‌عنوان دیدگاه عموم مفسران ذکر می‌کند و بیان می‌دارد که نزد خاصه (اهل عرفان) چنین نیست؛ بلکه نزد خاصه، معیت، معیت امتزاج به معنی ممزوج بودن عسر و یسر است یعنی معیت حقیقی است به این مفهوم که عسر و یسر حقیقتاً همراه یکدیگر است و به عبارتی، عسر در یسر است و یسر در عسر و هر دو به یکدیگر برمی‌گردد همان‌گونه که رحمت خداوند بر غضبش سبقت دارد یعنی غضب خداوند نیز نشاءت گرفته از رحمت او است و چیزی جدای از آن نیست (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۶۳).

آلوسی نیز در تفسیر خود از قول خاصه (اهل عرفان) مانند عمر بن فارض (م ۶۳۲)، «مَع» را در معنی حقیقی‌اش در آیه به این معنی می‌داند که هرآن چه محبوب انجام دهد، محبوب است؛ و وجه تسمیه «عسر» نیز به جهت سختی است که نزد عموم دارد و نه نسبت به محبین خاص (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۹۱).

بر اساس این نگاه، این نوع از عسر و یسر و همراهی آن دو با یکدیگر، نعمت و عنایتی از جانب خداوند متعال است که صیقل دهنده و توسعه‌دهنده استعداد و جودی برای تجلی نور خداوند در وجود انسان است؛ بنابراین هرچه بهره از سختی‌ها بیش تر باشد، این توسعه جودی بیش تر خواهد بود که البته در این صورت، این سختی برای انسان مفهوم و معنای

دیگری خواهد داشت و غیر از سختی‌های دیگر است و از این جهت در معرفه آمدن واژه «عسر» و نکره آمدن «یسر» در آیات شریفه اشاره لطیفی است زیرا این سختی، سختی هدفمند و شناخته‌شده‌ای است و بر این اساس، دنیا دار عسر است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۶۳)؛ زیرا با سختی‌های شناخته‌شده و هدفمندش، می‌خواهد در انسان توسعه وجودی و گشایش روح ایجاد نماید و به همین جهت عسر و سختی دنیا به خاطر ایجاد یسر (سعه وجودی و وسعت و بزرگی روح) است (عسر برای یسر و به همین جهت در درون یکدیگر وجود دارند).

این تفسیر از آیه و این نوع نگاه به عسر و یسر، به نظر می‌رسد جامع‌ترین و روشن‌ترین نگاهی باشد که می‌تواند درباره دو واژه عسر و یسر در آیه و جمع میان آن‌ها وجود داشته باشد.

البته حقی برسوی پس از بیان این مطلب، وجه معرفه آمدن عسر و نکره آمدن یسر را مانند دیگر مفسران ذکر کرده و همان قاعده تکرار معرفه و نکره را بیان نموده و نتیجه گرفته است که در این آیات نیز یک عسر مراد است و دو یسر و اگر جمله تأکید باشد در آن صورت دو یسر نیست بلکه مراد «یسرُ الدارین» است که در حقیقت نیز دو یسر است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۶۴).

یکی از لطیف‌ترین و نزدیک‌ترین تفاسیر به این نوع نگاه، از عبدالکریم خطیب است. او پس از آن که «یسر» را به مفهوم «سعه» و «رخاء» (گشایش) دانسته (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶: ۱۶۰۹)، تفسیری لطیف از واژه «مَع» دارد. به گفته وی، واژه «مَع» در آیه، مفید مفهوم معیت است یعنی با هر عسری، یسری است که همراه و مصاحب آن است؛ زیرا هر عسری در درون و ذات خود، بذره‌های یسر دارد که در صورت مقاومت، به دست می‌آید و در آخر امر، یسر بر عسر غلبه می‌یابد و جای آن را می‌گیرد؛ بنابراین عسر، حالتی گذرا در زندگی انسان است و سرچشمه آن رحمت خداوند است یعنی همان‌گونه که رحمت خداوند بر غضبش سبقت دارد و غضب او به سبب رحمتش است؛ رحمت خداوند نیز در این است

که انسان‌ها را مبتلا به عسر و شدت نماید؛ عسری که در درون آن یسری است که منبعث از صبر و استقامت است. بدین سان همواره از سختی‌ها، خیر متولد می‌شود و بهترین ثمرات در زمین سختی‌ها می‌روید و به همین جهت در آیات شریفه بلافاصله می‌فرماید: آنگاه که از جهاد و مبارزه فارغ شدی، به راحتی نپرداز؛ بلکه جهاد و مبارزه جدیدی را شروع کن ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾ (شرح/۷) (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶: ۱۶۱۰-۱۶۱۲).

بر این اساس روشن می‌شود که از عسر، یسر متولد می‌شود؛ اما از یسر، عسر متولد نمی‌گردد؛ زیرا یسر مانند آب باران است که از عالم بالا بوده و با نمک و کدورت همراه نیست برخلاف عسر که مانند آب‌نمک است.

بنابراین یسر، جوهر؛ و عسر، عرض است و به همین جهت است که با هر عسری، یسری همراه است اما با هر یسری، عسری همراه نیست.

با این نگاه، اصلاً عسری در نظام عالم، وجود ندارد زیرا عسر، امری وجودی نیست (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶: ۱۶۱۱) و به تعبیر فضل‌الله، آیه شریفه اشاره به این حقیقت وجودی است که حالت‌های سخت در زندگی دوام ندارد زیرا ریشه در وجود ندارند بلکه ناشی از اوضاع و شرایط متفاوت به وجود آمده در دنیا هستند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴: ۳۱۷).

در هر صورت، بر اساس این تفسیر، الف و لام عسر، اشاره به عسری شناخته‌شده و هدفمند دارد که رشد دهنده انسان است؛ خواه الف و لام جنس باشد یا عهد؛ که البته با توجه به سیاق سوره به نظر می‌رسد بهترین دیدگاه آن باشد که الف و لام عسر اول را جنس و الف و لام عسر دوم را عهد بدانیم؛ به این مفهوم که در آیه نخست، اشاره به یک سنت الهی است و در آیه دوم اشاره به عسر و یسر رسول خدا (ص)؛ چنان‌که قرینه سیاقی آیات آغازین سوره که سیاق امتنان است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۳۴؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۵۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۰۸)، نیز مؤید این معنی است؛ با این بیان که: در این عسر (سختی بار رسالت) تو نیز ای پیامبر، یسری (سعه وجودی) عظیمی خواهد بود.

شاید برهان کسانی که الف و لام موجود در هر دو آیه را جنس دانسته‌اند، استناد به باور کلامی جاودانگی پیام قرآن باشد که موجب شده الف و لام آیه نخست را برای بیان جنس و آیه دوم را نیز تأکید آیه نخست بدانند تا بدین سان حکم مذکور در آیات، دربرگیرنده همه مصادیق جنس باشد.

به نظر می‌رسد این گروه از نحو‌یون و مفسران به قرائن سیاقی آیات، توجه کافی نداشته و گمان کرده‌اند که در صورت جنس نبودن الف و لام، شمول آیه تقلیل داده می‌شود؛ درحالی‌که از نگاه بیرونی به مجموع آیات سوره، برداشت مذکور از آیات (متفاوت بودن دو عسر در آیات)، نه تنها منافاتی با جاودانگی پیام قرآن ندارد؛ بلکه با در نظر گرفتن یک پیام کلی در آیه نخست (سنت الهی) و بیان مصداق آن سنت به صورت عینی درباره رسول خدا (ص)، می‌توان به قاعده ای کلی و قابل حصول، همسو با پیام جاودانه قرآن دست‌یافت. در این حالت، آیه دوم بیانگر یک مصداق خارجی خاص است که اتفاق افتاده و تنها یک مسئله فرضی نیست که مصداق خارجی برای آن نتوان یافت.

با این بیان، با الف و لام جنس در عسر اول، یک حکم کلی (سنت کلی الهی) بیان شده و در آیه بعد، همان حکم کلی با الف و لام عهد، بر یک مصداق خارجی تطبیق داده شده است و بدین گونه مصداق خارجی رسول خدا (ص) و مسئله عسر و یسر ایشان به مثابه یک مثال و نمونه عینی قابل تحقق از این حکم و سنت الهی به تصویر کشیده شده است.

همچنین با توجه به مفهومی که در این نوشتار از دو واژه «عسر» و «یسر» ارائه گردید و در جمع میان آیات سوره شرح و سوره طلاق، می‌توان گفت که: در مجموع این آیات، سخن از یسر (سعه و جودی) است که هم همراه (مع) و هم بعد از عسر (سختی هدفمند و شناخته شده) حاصل می‌شود (جمع میان دو سیاق از آیات در دو سوره).

سید قطب نیز، در بیانی نزدیک به این تفسیر معتقد است که عسر همواره همراه یسری است که با آن ملازم است و در خطاب آیه به رسول خدا (ص)، یسر را شرح صدری ذکر

می کند که هنگام سنگینی بار مسئولیت رسالت بر پشت رسول خدا (ص) همراه عسر است و سنگینی آن بار را برمی دارد؛ گرچه بیان سید قطب، متضمن وجود دو عسر و یسر نیست. وی در تبیین ارتباط این آیات با آیات ۷ و ۸ همین سوره ﴿فَإِذَا فُرُغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾، آیات را بیانگر این مفهوم می داند که: ای پیامبر هنگامی که از وظایف دربار مردم و زمین فارغ شدی، به قلبت متوجه شو و فارغ از هرگونه توجه به امر مردم، عبادت کن و توجه به سوی مالک و صاحب اختیار داشته باش؛ زیرا این کار یعنی توجه به سوی خداوند و پرداختن به قلب، توشه راه است. در اینجا است که یسر را همراه عسر و گشایش را همراه تنگی و ضیق می یابی و این همان راه است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۹۳۰).

البته در این نگاه سید قطب، یسر در اثر عبادت و توجه به قلب توسط رسول خدا (ص) حاصل می شود و این مطلب از آیه بعد به دست می آید؛ اما در تفسیری که ما بیان کردیم، یسر در عسر شناخته شده و هدفمند نهفته است و از طریق خود عسر حاصل می شود و این دو تفسیر اندکی با یکدیگر متفاوت است.

گفتنی است درباره نحوه برداشتن بار رسالت از دوش پیامبر، برخی تفاسیر از آیه ﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾ (شرح/۲) چنین برداشت کرده اند که ای پیامبر با معجزات و براهین، پشت تو را قوی گردانیدیم و بار رسالت را بر تو آن چنان سبک کردیم که می پنداری باری نداری! (جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۹۶).

به نظر می رسد که سبب این نوع برداشت آن است که این گروه از مفسران معمولاً در ترجمه و تفسیر یسر، مفهوم آسانی و سهولت را لحاظ کرده اند (جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۹۷). این در حالی است که بر اساس آنچه در ترجمه و تفسیر واژه «یسر» گفته شد، مراد از برداشتن بار، سبک کردن بار به نحو توسعه ظرفیت وجودی و وسعت روح است و نه برداشتن بار به گونه ای که اصلاً باری نبوده باشد. به عبارتی، خداوند متعال به رسول خود این بشارت را می دهد که بار مسئولیت رسالت با توسعه وجودی یا شرح صدری که برای

آن حضرت در اثر عسر و سختی‌های مسیر و تکلیف اتفاق می‌افتد، قابل انجام و سبک و هموار می‌شود و نه با معجزات و براهین.

۸- نتیجه‌گیری

پس از بازیابی مفهوم دقیق لغوی دو واژه «عسر» (ضیق و شدت) و «یسر» (انفتاح و سعه) که در این نوشتار بدان پرداخته شد و نیز بررسی مفهوم معیت حقیقی واژه «مع» در آیات و همچنین نوع الف و لام موجود در دو واژه «عسر» و تنوین موجود در دو واژه «یسر»، نتایج زیر در ترجمه و تفسیر و فهم آیات به دست می‌آید:

۱- اگر در آیه نخست، الف و لام موجود در واژه «عسر» را جنس و در آیه دوم، عهد دانسته و تنوین موجود در دو واژه «یسر» را نیز تنوین تنوین مفید تعظیم و تفخیم بدانیم که ضمن اثبات یسر، به مخاطب توجه می‌دهد که اگر شخص با چراغ ایمان به خود و اطرافش بنگرد، حقیقت یسر موجود در عسر را درخواهد یافت؛ در آن صورت، مفهوم دو آیه چنین می‌شود که:

قطعاً با هر عسری (سختی شناخته‌شده و هدفمندی)، یسری (گشایش و وسعت وجودی) عظیم است [که حاصل می‌شود] (بیان یک سنت الهی) و در این عسر (سختی تو ای پیامبر که عبارت باشد از سختی و سنگینی بار مسئولیت رسالت که در آیات آغازین سوره بدان‌ها اشاره شده است) نیز یسر (سعه وجودی) عظیمی است (عسر و یسر خاص رسول خدا).

به نظر می‌رسد این همان مفهومی است که تقریباً از دیدگاه همه مفسران مغفول مانده است و آن بیان یک سنت الهی در آیه نخست و تسلی خاطر و قوت قلب رسول خدا (ص) در آیه دوم است که همراه این عسری که آن حضرت با آن مواجه است، یسری عظیم است که در ابتدای سوره آن را روشن و بازکرده است یعنی یسری که عبارت است از

شرح صدر آن حضرت که همان گشایش و توسعه وجودی است که موجب سبک شدن بار رسالت به واسطه آن سعه روح می‌شود و نام و یاد آن حضرت را نیز بالا خواهد برد. بر این اساس، وجه تکرار آیه شریفه، تأکید و مبالغه و مانند آن نیست؛ بلکه هر یک از دو آیه، دربردارنده پیام و مفهومی مستقل است.

۲- می‌توان گفت در این دو آیه، قاعده بلاغی «ذکر الخاص بعد العام» به کاررفته است زیرا در آیه نخست سخن از یک سنت عمومی الهی است که در آن خداوند متعال به همه انسان‌ها وعده می‌دهد که همراه هر سختی، توسعه وجودی حاصل می‌شود و در آیه دوم، سخن از وعده خاص خداوند متعال به رسول اکرم (ص) است که به آن حضرت وعده می‌دهد که با این سختی خاص مسئولیت رسالت تو نیز ای پیامبر، توسعه وجودی همراه است و حاصل می‌شود.

و چه بسا بر اساس دیدگاه پیش‌گفته (نظریه عبده)، آیه ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (آیه دوم) را نیز بتوان نسبت به آیات آغازین سوره مشمول قاعده «ذکر العام بعد الخاص» دانست که در این صورت، فاء سببیه و یا تفریع موجود بر سر آیه نخست نیز مؤیدی بر همین مفهوم است؛ چنان‌که آلوسی از قول برخی مفسران، فاء را سببیه یا تفریع ذکر می‌کند. می‌توان گفت با توجه به قرینه متصل سیاقی آیات، این وجه نیز قابل پذیرش باشد یعنی الف و لام عسر اول، عهد و اشاره به سختی رسول خدا (ص) باشد و الف و لام عسر دوم، جنس و بیانگر حکم کلی سنت الهی باشد؛ به عبارتی، ابتدا نمونه عینی قابل تحقق مطرح شده باشد (با توجه به سیاق آیات آغازین سوره) و سپس یک قاعده کلی و سنت الهی.

۳- و سخن آخر آن که به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌های بسیاری از مفسران در جنس دانستن بیش‌تر الف و لام های قرآن، باور به فرازمان و فرامکان بودن آیات است؛ درحالی‌که می‌توان پیام آیه را فرازمانی و فرامکانی (جاودانه) تلقی کرد و درعین‌حال، همان پیام را روایتگر از یک واقعه مشخص و معهود و نمونه عینی قابل تحقق نیز دانست.

۹- منابع

* قرآن کریم.

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، به کوشش شمس الدین، سناء بزیغ؛ شمس الدین، ابراهیم، تحقیق عبدالباری عطیه، علی، بیروت: دار الکتب - العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۵ق).
- ۲- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران: سروش، (۱۳۷۴ش).
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۴۱۳ق).
- ۴- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق مهدی، عبد الرزاق، بیروت: دار الکتب العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۵- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق غضبان، عامر و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة، (۱۴۱۶ق).
- ۶- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین، (۱۹۸۸م).
- ۷- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۸- ابن عبد السلام، عبد العزیز بن عبد السلام، تفسیر العز بن عبد السلام، تحقیق عبد الرحمن، احمد فتحی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۹ق).
- ۹- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون، عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۱۰- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح ناصح، محمد مهدی؛ یاحقی، محمد جعفر، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، (۱۴۰۸ق).
- ۱۱- ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق جمیل، صدقی محمد، بیروت: دار الفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۱۲- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۱ق).

بازشناسی مفهوم دو واژه «عسر» و «یسر» در سوره «شرح» و چالش های ترجمه و تفسیر آن _____ الهه هادیان رسانی

۱۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مصر، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، (۱۴۱۰ق).

۱۴- بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، تحقیق مهدی، عبد الرزاق، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۱۵- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، تحقیق مهدی، عبد الرزاق، غالب، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۷ق).

۱۶- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، به کوشش مرعشلی، محمد عبد الرحمن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).

۱۷- پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، تهران: جاویدان، (۱۳۵۷ش).

۱۸- ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمى بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق عبد الموجود، عادل احمد و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).

۱۹- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق ابن عاشور، ابی محمد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).

۲۰- جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحران (تفسیر گازر)، تحقیق محدث، جلال الدین، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۷۸ق).

۲۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق عطار، احمد عبد الغفور، بیروت: دار العلم للملایین، (۱۳۷۶ق).

۲۲- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر، (بی تا).

۲۳- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق رسولی محلاتی، سید هاشم، قم: اسماعیلیان، (۱۴۱۵ق).

۲۴- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تحقیق بهودی، محمد باقر، تهران: کتابفروشی اسلامیه، (۱۳۹۰ش).

۲۵- خطیب، عبد الکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربی، (۱۴۲۴ق).

۲۶- درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، سوریه- حمص: الارشاد، (۱۴۱۵ق).

- ۲۷- دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۴ق).
- ۲۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، (۱۴۱۲ق).
- ۲۹- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوایل فی وجوه التأویل، تصحیح حسین احمد، مصطفی، بیروت: دار الکتب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۳۰- سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، تحقیق عمروی، عمر، بیروت: دار الفکر، (۱۴۱۶ق).
- ۳۱- سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتب المکنون، تحقیق صیره، احمد محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۴ق).
- ۳۲- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، (۱۴۲۵ق).
- ۳۳- [سید مرتضی] علم الهدی، علی بن الحسین، تفسیر الشریف المرتضی المسمی ب: نفائس التأویل، تصحیح موسوی، مجتبی احمد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (۱۴۳۱ق).
- ۳۴- شیخ زاده، محمد بن مصطفی، حاشیه محی السدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، تصحیح شاهین، محمد عبد القادر، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۹ق).
- ۳۵- صادق نوبری، عبد المجید، ترجمه قرآن، به کوشش علوی حسینی، محمد کریم، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ش).
- ۳۶- صادقی تهرانی، محمد، التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، قم: دفتر مولف، (بی تا).
- ۳۷- صفوی، محمد رضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
- ۳۸- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۶۲ش).
- ۳۹- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، تهران: قلم، (۱۳۸۰ق).
- ۴۰- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۴۱- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح گرجی، ابوالقاسم، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، (۱۴۱۲ق).

بازشناسی مفهوم دو واژه «عسر» و «یسر» در سوره «شرح» و چالش های ترجمه و تفسیر آن _____ الهه هادیان رسانی

۴۲- -----، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح یزدی طباطبایی، فضل الله؛ رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).

۴۳- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح عاملی، احمد حبیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (بی تا).

۴۴- عبده، محمد، تفسیر القرآن الکریم (جزء عم)، مصر: شركة مساهمة مصریة، (۱۳۴۱ق).

۴۵- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۴۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، (۱۴۰۹ق).

۴۷- قشیری، عبد الکریم بن هوازن، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، تحقیق بسیونی، ابراهیم، مصر- قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب، (۲۰۰۰م).

۴۸- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، (۱۴۱۹ق).

۴۹- کاشانی، فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر ملا فتح الله کاشانی)، تصحیح شعرانی، ابو الحسن؛ غفاری، علی اکبر، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۳۶ش).

۵۰- کاویانپور، احمد، ترجمه قرآن، تهران: اقبال، (۱۳۷۲ش).

۵۱- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق کاظم، محمد، تهران: مؤسسه الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، (۱۴۱۰ق).

۵۲- ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، تحقیق باسلوم، مجدی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۶ق).

۵۳- مالک بن انس، موطأ الإمام مالک، تحقیق اعظمی، محمد مصطفی، امارات- ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریة و الإنسانية، (۱۴۲۵ق).

۵۴- ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی، تحقیق عبدالرحیم، سید بن عبد المقصود، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (بی تا).

۵۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- لندن- قاهره، دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، (۱۴۳۰ق).

۵۶- مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی، (۱۴۲۴ق).

- ۵۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، (۱۳۷۱ش).
- ۵۸- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).
- ۵۹- میدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبد الله انصاری)، به اهتمام حکمت، علی اصغر، تهران: امیرکبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۶۰- نووی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تصحیح ضناوی، محمد امین، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۷ق).

